

بررسی عملکرد لژیونرهای ایرانی در امارات
درخشش محبوب‌ها

و مغضوب‌ها

پایان فصل فوتبال باشگاهی امارات با قهرمانی الاهلی در ۳ جام داخلی همراه شد؛ تیمی که با اتکالی ویژه به ۲ لژیونر ایرانی، قله فوتبال این کشور را فتح کرد. فصل جاری اما برای سایر بازیکنان ایرانی حاضر در امارات، پرنوسان و با نتایج متفاوتی همراه بود؛ از ستاره‌هایی که در هر بازی تأثیر مستقیم داشتند تا چهره‌هایی که زیر سایه عملکرد کم‌رق‌شان، شاید راهی جز بازگشت به ایران برای احیای خود نداشته باشند. در این میان، تضادهای عجیبی هم در تصمیمات تیم ملی به چشم می‌خورد؛ بازیکنانی با آمار چشمگیر بیرون مانده‌اند و نام‌هایی با عملکردی ضعیف، همچنان در اردوهای ملی حاضرند.

رضا محمدی

■ آزمون؛ ستاره‌ای بی‌رقیب در الاهلی

سردار آزمون پس از حضور در الاهلی، یکی از کامل‌ترین فصل‌های فوتبال خود را پشت سر گذاشت. در ۳۹ بازی، ۲۶ گل و ۱۰ پاس گل ثبت کرد؛ آساری که نشان می‌دهد

مهاجم تیم ملی هر ۹۲ دقیقه یک گل سهم مستقیم داشته است. او با همین نمایش فوق‌العاده، تیمش را به ۳ جام معتبر داخلی رساند و نقش یک ستاره تمام‌عیار را ایفا کرد. حالا تنها نگرانی درباره سردار، مصدومیت اخیر اوست که ممکن است مانع حضورش در بازی‌های تشریفاتی تیم ملی در فیفادی خرداد شود.

■ عزت‌اللهی؛ بازگشت آرام اما مطمئن

سعید عزت‌اللهی یکی دیگر از مهره‌های کلیدی الاهلی بود. او که پس از چند فصل پرحاشیه در اروپا به امارات رفت، موفق شد با نمایشی قابل دفاع، نقش مهمی در موفقیت‌های تیمش ایفا کند. عزت‌اللهی با کسب نمره میانگین ۷،۱۲، ثبت ۸۱ درصد پاس صحیح و میانگین ۲ شوت در هر بازی، نشان داد تنها یک هافبک دفاعی نیست و در فاز هجومی نیز مؤثر است. حالا سعید در قامت یک هافبک بالغ و کامل شده، جایگاه ثابتی در لیست تیم ملی دارد.

■ نوراللهی؛ وقتی انضباط بر توانایی غلبه می‌کند

یکی از بهترین فصل‌های احمد نوراللهی در امارات رقم خورد؛ هافبکی که با بازوبند کاپیتانی الوحدّه، توانست ۵ گل و ۷ پاس گل ثبت کند. دبل او در هفته پایانی، الوحدّه را به رتبه

سوم جدول رساند اما با تمام این نمایش‌های فنی، نوراللهی هنوز جایی در تیم ملی ندارد. ترک اردوی تیم ملی و عدم عذرخواهی رسمی از کادر فنی باعث شده قلعه‌نویی نام او را خط بزند؛ تصمیمی که به نظر نمی‌رسد فعلاً تغییر کند، حتی اگر نوراللهی مهرای بی‌جایگزین باشد.

■ قایدی؛ تثبیت در نقش مهاجم اول اتحاد کلبا

مهدی قایدی یکی از پدیده‌های فصل جاری لیگ امارات بود. ستاره‌ای که در ۲۴ بازی برای اتحادکلبا موفق به ثبت ۱۶ گل و ۸ پاس گل شد. آمار خیره‌کننده‌ای که نشان می‌دهد قایدی به‌طور میانگین در هر بازی یک تأثیرگذاری مستقیم در گل داشته است. مهاجم سابق استقلال حالا به یکی از مهره‌های تهاجمی ثابت تیمش تبدیل شده و شاید در نبود آزمون، به یکی از گزینه‌های جدی برای خط حمله تیم ملی تبدیل شود.

■ قدوس؛ کیفیتش که قربانی را نیمکت‌نشین کرد

سامان قدوس در اتحاد کلبا فصل را با ۱۸ بازی، ۴ گل و ۳ پاس گل به پایان رساند. او اگرچه کمتر از سایر لژیونرها فرصت بازی پیدا کرد اما هر زمان در میدان بود، نشانه‌هایی از کیفیت فنی بالای خود را نشان داد. قدوس بیشتر به عنوان بازیکن چرخشی مورد استفاده قرار گرفت اما تأثیرگذاری‌اش انکارناپذیر بود. شاید اگر از ابتدا به عنوان بازیکن اصلی به او اعتماد می‌شد، آمار او نیز متفاوت بود.

■ مغاللو؛ ناامیدی در سایه آمار

شهریار مغاللو با وجود حضور در ۲۷ بازی، تنها ۹ گل و ۲ پاس گل به ثبت رساند؛ آماری که برای مهاجم نوک، چندان دلچسب نیست. عملکرد نه‌چندان درخشان او باعث شده مزمه‌های جدایی‌اش از اتحاد کلبا بالا بگیرد. حالا احتمال بازگشت او به فوتبال ایران زیاد است؛ جایی که شاید بتواند دوباره خود را به عنوان مهاجم مدنظر تیم ملی مطرح کند.

■ قربانی؛ حضور پررنگ در میدان و کم‌رنگ در آمار

محمد قربانی یکی از پرکارترین لژیونرهای فصل امارات بود اما کم‌ثرترین آنها. او در ۳۰ بازی و ۲۳۸۰ دقیقه تنها ۲ گل و یک پاس گل ثبت کرد؛ آماری که حتی برای یک هافبک دفاعی هم ضعیف تلقی می‌شود. نکته عجیب اما دعوت‌های پیاپی او به تیم ملی است؛ آن هم در شرایطی که نوراللهی، هم‌تیمی‌اش، با آماری به مراتب بهتر به تیم ملی دعوت نمی‌شود. این تناقض، یکی از پربحث‌ترین انتقادات قلعه‌نویی در سال گذشته بوده است.



استقلال برای جام حذفی، دست به هر کاری می‌زند

چشم‌بندی جباری

کافی است.

■ قفل آخر با کلیدهای عجیب

در فوتبال، گاهی موفقیت نه از دل آنالیز و آمار می‌آید، نه از اعداد و خطوط روی تخته. گاهی از دل یک تصمیم عجیب، یک تغییر ناگهانی، یا حتی یک تمرین با چشمان بسته می‌آید. شاید همین کارهای به ظاهر بی‌ربط، همان‌هایی باشد که ذهن خسته بازیکنان را تازه می‌کند. همان‌هایی که تیمی فروریخته را دوباره سر پا می‌کند. جباری شاید از آن مربی‌هایی نباشد که زیاد حرف می‌زند یا تیترو می‌سازند اما زیر پوست تیمش اتفاقاتی افتاده. تیمی که دیگر مثل قبل نمی‌بازد، دیگر شانه‌ها را بالا نمی‌اندازد و دیگر در زمین بی‌روح نیست. این، از همه مهم‌تر است.

الان همه نگاه‌ها به فینال فردا دوخته شده؛ جایی که شاید قهرمانی، بزرگ‌تر از خودش باشد. نه فقط یک جام، بلکه مرهمی بر زخم‌ها. یک فصل بی‌فراجم که شاید با این جام بالاخره به پایانی قابل تحمل برسد.

تمرین چشم‌بسته شاید قهرمان نسازد اما چیزی را درون استقلال بیدار کرده. روحیه‌ای تازه، جنگندگی‌ای فراموش‌شده و شاید ایمان به اینکه هنوز می‌شود ایستاد، حتی اگر دنیا بگوید تمام شده‌اید.

پنجشنبه، استقلال یا چشم‌بسته قهرمان می‌شود یا با چشمانی باز با فصل وداع می‌کند. چیزی بین این ۲ خواهد بود.

حتی اگر ۲ تایی آنها مقابل تیم‌های دسته اولی باشد اما برای تیمی که تمام فصل در گیر دست‌وپنجه نرم کردن با بحران بود، همین بردها هم شبیه اکسیرین بود.

تمرین چشم‌بسته؟ شاید بگویید نمایش است، یا حتی بی‌فایده اما در تیمی که از شدت استیصال، دست به هر طنابی می‌زند، هر ایده‌ای ارزش امتحان کردن دارد. شاید جباری می‌خواهد بازیکنانش را مجبور کند بیشتر بشنوند، بیشتر حس کنند و تصمیم بگیرند بدون دیدن. شاید تمرکز را در غیاب بینایی تقویت کنند، یا شاید فقط یک تکنیک روانی برای شکستن یکنواختی تمرینات باشد. هر چه هست، پیامی دارد: ما هنوز زنده‌ایم و هنوز می‌جنگیم.

■ فینالی برای بقا، نه فقط برای قهرمانی

پنجشنبه، فینال بر گزار می‌شود. استقلال مقابل ملوان. ملوانی که مثل همیشه بی‌ادعا اما با انگیزه و جان‌فشانی می‌آید تا شگفتی‌ساز شود. تیمی که چیزی برای از دست دادن ندارد و همین بی‌چیزی، خطرناک‌ترین سلاح‌شان است اما آن طرف، تیمی ایستاده که هر چند زخمی و گیج اما مصمم است آخرین گلوله‌اش را شلیک کند.

برای استقلال، این بازی فقط یک فینال نیست؛ این آخرین فرصت است برای پاک کردن حافظه‌ای که تا همین چند هفته پیش پر بود از ناراضیاتی، اعتراض، درگیری و ناامیدی. این تیم اگر جام را ببرد، شاید فصل را نبرده باشد اما خاطرهاش را عوض می‌کند و برای هوادار، همین کافی است. همین که ته این تونل سیاه، یک جام بالا برود،

در دنیایی که فوتبال را با تاکتیک

و تمرکز می‌سنجند، استقلال به تمرینی رو آورده که بیشتر شبیه صحنه‌ای از فیلم‌های هنری اروپای شرقی است تا زمین فوتبال.

تمرینی با چشمان بسته، روی زمینی باز و در فضایی که انگار مرز میان شوخی و جدیت را پاک کرده‌اند؛ همه اینها فقط یک معنا دارد: در اردوی استقلال، دیگر چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است.

در کسب مرحوم جباری، جایی که برای هواداران استقلال یک خاطره زنده است، بازیکنانی دیده شدند که چشم‌بند به صورت داشتند و با توپ تمرین می‌کردند. در ظاهر، حرکتی ملنژ‌آمیز. در باطن؟ شاید واکنشی به تلخ‌ترین فصل تاریخ باشگاه. فصلی پر از سقوط، ناکامی و روزهایی که هوادار ترجیح می‌داد به فوتبال فکر نکند اما حالا، در فینال جام حذفی، همه چیز دوباره جان گرفته؛ حتی اگر با تمرینی باشد که بیشتر شبیه نمایش‌های خیابانی است.



■ نسیم تغییر با جباری

از زمانی که مجتبی جباری، مغز متفکر آرام فوتبال ایران، روی نیمکت استقلال نشست، ورزش نسیمی متفاوت در باشگاه حس شد. نه اینکه همه چیز ناگهان گل و بلبل شود اما کم‌کم نشانه‌هایی از حیات در پیکر سرد و بی‌جان تیم نمایان شد. تیمی که در ۵ بازی آخر، ۳ برد به دست آورد؛



رنکینگ فیفا و سیدبندی مانع جوانگرایی واقعی در تیم ملی

جوانان روی نیمکت

خوب می‌داند اگر ایران سید ۲ بیفتد، در جام جهانی ممکن است کنار یکی از غول‌ها قرار گیرد. پس حالا آن بازی بی‌خاصیت، ناگهان تبدیل شده‌اند به بازی‌های حیاتی و از آنجا که نتیجه گرفتن با بازیکن جوان ریسک دارد، ژنرال ترجیح داده بار دیگر دست به دامن باتجربه‌ها شود؛ همان‌هایی که دیگر باید کم‌کم جای خود را به نسل بعد بدهند اما هنوز در اردوها هستند!

■ وعده‌هایی که تاریخ مصرف دارد

قلعه‌نویی بارها گفته بود «در صورت صعود، به جوان‌ها میدان می‌دهم». این جمله شبیه همان وعده‌هایی است که مسؤولان در ابتدای دولت‌شان می‌دهند: قشنگ، مطبوع اما بی‌اثر. واقعیت این است که فوتبال ایران تا امروز هیچ‌گاه برنامه بلندمدت نداشته. همه چیز وابسته به نتیجه است، به صعود، به جام، به رضایت موقت. حتی حالا هم که صعود قطعی شده، باز هم جرات جوانگرایی نیست. چون «رنکینگ» مهم است. چون «سید» مهم است. چون در نهایت، اگر قرعه آسانی بگیریم، فدراسیون می‌تواند خودش را پشت نتایج پنهان کند. سؤال این است: مگر نه اینکه بازی با کره شمالی و قطر بهترین فرصت است برای آزمون نسل جدید؟ اگر در این بازی‌ها هم فرصت ندیم، پس کی قرار است تیم ملی از نسل مسن خود عبور کند؟ آیا قرار است باز هم مثل همیشه، در آستانه جام جهانی، با اضطراب دست به تغییر بزنیم؟

■ نقشه‌امیر؛ قهرمان بدون انقلاب

قلعه‌نویی آمده بود تا تیم ملی را نونوار کند. با ساقبقای پر از قهرمانی در لیگ برتر و شخصیتی کاریزماتیک، خیال می‌کردیم او آمده تا تیم ملی را از رخوت نجات دهد اما حالا شواهد می‌گوید او هم در نهایت مثل همه مربیان پیش از خود، اسیر چرخه بی‌پایان

وقتی قهرمان لیگ برتر هم نمی‌تواند

جوان شود، از تیم ملی چه انتظاری دارید؟ امیر قلعه‌نویی با یک دوراهی عجیب مواجه شده؛ دوراهی‌ای که مثل همیشه، نه به خاطر تاکتیک و فوتبال، بلکه زیر سایه رنکینگ فیفا، سیدبندی

جام جهانی و ترس از قرعه سخت شکل گرفته. حالا تیم ملی ایران، در حالی که صعودش به جام جهانی ۲۰۲۶ را ۲ بازی زودتر قطعی کرده، باید در برابر قطر و کره شمالی به میدان برود؛ ۲ بازی بی‌فایده از جنس همان بازی‌هایی که معمولاً در دفترچه خاطرات فدراسیون‌نشین‌ها جا نمی‌ماند اما ماجرا همین جا تمام نمی‌شود.

قرار بود این بازی‌ها، فرصت میدان دادن به جوان‌ها باشد؛ فرصت ریسک، ساختن، پوست‌اندازی و نگاه به آینده. اما قلعه‌نویی – مثل همیشه – آینده را رگروگان «نتیجه‌گیری حال» کرده درست همان‌طور که سال‌ها در استقلال برای قهرمانی می‌جنگید و به نسل بعد حتی نگاه هم نمی‌کرد، حالا هم در تیم ملی با همان نسخه وارد میدان شده. جوانگرایی؟ باشد ولی نه حالا! شاید اردوی بعد، شاید فیفادی بعد، شاید جام ملت‌ها یا شاید... هیچ وقت!

■ فوتبال ما گروگان رنکینگ شده

جام جهانی ۲۰۲۶ با حضور ۴۸ تیم برگزار می‌شود؛ رقابتی بی‌سابقه که قرار بود برای آسیا فرصت باشد اما فعلاً برای ایران به دغدغه تبدیل شده. چرا؟ چون ایران در رنکینگ فیفا فعلاً هجدهم است اما با توجه به اینکه ۳ میزبان (آمریکا، کانادا و مکزیک) بدون نیاز به رنگ بالا در سید اول قرار می‌گیرند، ما ۳ پله سقوط می‌کنیم و این یعنی رسیدن به رتبه ۲۱ و نزدیک شدن به پرتگاه سقوط به سید سوم، قلعه‌نویی



نتیجه‌گیری شده است؛ چرخه‌ای که آینده را می‌بلعد تا امروز را حفظ کند. شاید اگر همین امروز از امیر بیرسید چرا بازیکنان ۳۳ یا ۳۶ ساله هنوز در اردو هستند، بگوید: «تجربه مهم است، فعلاً به اینها نیاز داریم». این «فعلاً» همان تله‌ای است که فوتبال ایران را سال‌ها در جاذبه نگه داشته. ما همیشه در مرحله «فعلاً» هستیم. فعلاً برای جوان‌ها زود است. فعلاً باید نتیجه بگیریم. فعلاً بگذارید از گروه صعود کنیم. فعلاً سیدبندی مهم است و این «فعلاً»‌ها، همیشه تبدیل می‌شوند به «هیچ‌وقت».

■ آینده‌ای که به تعویق افتاد

واقعیت این است که فوتبال ایران اگر قرار است در جام جهانی حرف برای گفتن داشته باشد، باید همین حالا پوست‌اندازی کند. ما نه آنقدر تاکتیک‌مداریم که نتوانیم با همین مهره‌های تکراری دوباره معجزه کنیم، نه آنقدر سیستم داریم که با تعویق، آینده را مدیریت کنیم. تنها راه نجات، جسارت است. تصمیم‌های سخت و شجاعت میدان دادن به چهره‌های جدید. امیر قلعه‌نویی اما فعلاً در حال حفظ وضع موجود است. نه از روی ترس که از روی احتیاط. و شاید همین احتیاط بیش از حد در نهایت کار دست تیم ملی بدهد. نه فقط در سیدبندی، بلکه در خود جام جهانی؛ جایی که برای پریدن باید قبلاً آمده شده باشی، نه اینکه در لحظه آخر یادت بیفتد بال ندار.

کناپه اینستاگرامی
ماشار بیوف به جباری

«همه چیز دروغ است»

تنش‌های پنهان در اردوی استقلال، حالا رنگ و بوی مجازی به خود گرفته؛ این بار با استوری طعنه‌آمیز جلال‌الدین ماشار بیوف که ظاهراً پاسخ غیرمستقیم او به صحبت‌های تند و تیز مجتبی جباری است.

هافبک اژبک آبی‌ها که از زمان حضور جباری روی نیمکت استقلال بیشتر نیمکت‌نشین بوده، دوشنبه‌شب با انتشار عکسی از خود با پیراهن تیم ملی کشورش در اینستاگرام، جمله‌ای معنادار نوشت: «همه چیز دروغ است». جمله‌ای کوتاه اما پر از پیغام برای آنهايي که به دقت رفتار بازیکنان استقلال را زیر نظر دارند.

جباری که صراحت کلامش در نشست‌های خبری حالا یکی از ویژگی‌های بارز دوران کوتاه سرمربیگری‌اش شده، بعد از بازی با نفت آبادان در پاسخ به انتقادهای درباره نیمکت‌نشینی ماشار بیوف گفته بود: «از نظر بدنی عقب است. بازیکن خارجی ما باید از لحاظ بدنی بهتر باشد. یک زمانی این بازیکنان رها شده بودند و حالا تلاش می‌کنیم از آنها استفاده کنیم. انتظار از بازیکن خارجی بالاست و او باید شرایط خودش را بهتر کند». آمار اما چیز دیگری می‌گوید. ماشار بیوف در این فصل ۲۵ بازی برای استقلال انجام داده؛ ۲۴ بار در لیگ برتر، ۸ بار در لیگ نخبگان و ۲ بار هم در جام حذفی. او در مجموع ۲۵۰۹ دقیقه به میدان رفته، یک گل زده و ۴ پاس گل ثبت کرده؛ آماری که اگرچه خیره‌کننده نیست اما با تعریف «بازیکن رهاشده» هم فاصله دارد. در فاصله یک روز مانده تا فینال جام حذفی مقابل ملوان، حال و هوای استقلال چیزی شبیه به آرامش پیش از توفان است و اگر پیش‌بینی‌ها درست از آب دربیاید، ماشار بیوف بار دیگر باید بازی را از کنار زمین تماشا کند. در حالی که نه تنها بدنی آماده، بلکه ذهنی پر از سؤال دارد.

[۲ اس]

ژاوی آلونسو؛ وقتش رسیده



[گاتزتا]

ایزراگی عربستان



[موندوپورتوو]

لامین ۲۰۳۱



[کوریه]

کنته، دود سیاه و سفید



[میرر اسپورت]

از این پس، زندگی در ناپولی

